

في حكم صلاة الجمعة والجماعة في المساجد

در حكم نماز جمعه و جماعت در مساجد

تأليف:

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالله العریفی

با مقدمة: علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله العوضي

۱۴۲۶ / ۱۳۸۴ هـ

خدای یکتا را سپاس می‌گوییم. وبعد: این رساله را که دربارهٔ حکم نماز
جمعه و جماعت است، خواندم. علاوه بر اختصار و ترک اختلافات و
مناقشات درباره امور بی‌اهمیت، آن را در زمینه موضوعش مفید یافتیم.
[شما را] به چاپ و انتشار آن سفارش می‌کنم. به امید آن که خداوند آن را
برای کسانی که اراده فرموده است، سودمند گرداند.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلم.

به قلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

۴۱۲۱/۲/۲۶ ه. ق.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ونصلى ونسلم على النبي الأمين المبعوث رحمة للعالمين.

اما بعد یکی از امور تشدید کننده غربت دین، سبک شمردن و تنبلی در زمینه نماز و عدم حضور در نماز جمعه و نماز جماعت می‌باشد. به گونه‌ای که بسیاری از مردم، در خواندن نماز سستی می‌کنند و آن را به صورت جماعت در مساجد ادا نمی‌کنند. حتی بعضی از آنها به نماز جماعت در مسجد معتقد نیستند و آن را در خانه می‌خوانند.

از آنجایی که دلایل وجوب نماز جماعت و نماز جمعه را در کتاب و سنت بسیار فراوان دیدم، بیان آن برای برادران نمازگزارم را نصیحتی و امر به معروف یافتم. به همین دلیل آن را در قالب رساله کوچکی تدوین کردم تا به آسانی در میان مردم منتشر شود.

از خداوند می‌خواهم که این عمل مرا بپذیرد و امیدوارم که این کار خالصانه برای رضای او باشد و من، و والدینم و همه مسلمانان را مورد مغفرت قرار دهد.

نگارنده:

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالله العریفی

ریاض ۱۴۲۱/۳/۹ ه. ق.

صندوق پستی ۱۵۴۲۶۰ ریاض ۱۱۷۳۶

:

برادر مسلمانم: [در این روزگار] عده‌ای از مسلمانان را می‌بینیم که در زمینه خواندن نماز جماعت در مساجد تنبلی می‌کنند. علیرغم اینکه می‌دانند خداوند - سبحانه - در قرآن کریم درباره نماز سفارش فراوانی نموده است، و آن را بزرگ شمرده، و به حفظ و ادای آن به صورت جماعت امر نموده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ): (در انجام همه نمازها و [به ویژه] نماز میانه [یعنی عصر، کوشا باشید و] محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا به پا خیزید). سوره بقره آیه ۲۳۸. همچنین خداوند سستی و تنبلی در زمینه به پا داشتن نماز از صفات منافقین به شمار آورده است و می‌فرماید: (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ): (منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد، و هنگامی که به نماز برخیزند سر تا پای آنها غرق کسالت و بی‌حالی است). سوره نساء آیه ۱۴۲.

چگونه برای مسلمان رواست که در حضور در مسجد و ادای نماز جماعت سستی و تنبلی کند، در حالی که او می‌داند که دلایلی از قرآن و سنت بر وجوب نماز جماعت در مسجد دلالت دارد، که بعضی از آنها را در این رساله ذکر می‌کنم.

از جمله:

خداوند می‌فرماید: (يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ

سَالِمُونَ: (روزی را که خداوند ساق خود را برهنه می‌کند، و دعوت به سجود می‌شوند اما نمی‌توانند سجود کنند. (ساقی که به جلال و کمال او لایق است و به هیچ چیز شبهاتی ندارد)، در حدیث آمده که: پروردگار ما ساق خود را برهنه می‌کند، پس هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای برای او سجده می‌کنند، و کسانی که از روی ریا و سمعه در دنیا سجده می‌کردند، باقی می‌مانند و می‌روند که سجده کنند، پشت آنان (مانند تخته‌الواری راست می‌ایستند) و قادر به سجده کردن نمی‌شود. (متفق علیه)* این در حالی است که چشمهایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده و ذلت و خواری تمام وجودشان را فراگرفته، آنها پیش از این (در دار دنیا) دعوت به سجود می‌شدند در حالی که سالم بودند). سوره قلم آیه ۴۲ و ۴۳.

و در روز قیامت خواری پشیمانی و حسرت آنان را فرامی‌گیرد. در حالی که آنان به سجده کردن خوانده می‌شدند، اما آنان علیرغم صحت و سلامتشان از انجام آن امتناع می‌کردند. پس به همین دلیل در آخرت، با عدم توانایی انجام آن [سجده] مجازات می‌شوند.

ابراهیم تیمی : در تفسیر این آیه می‌گوید: آنها به وسیله اذان و اقامت به نماز واجب فراخوانده می‌شدند.

سعید بن مسیب : می‌گوید: آنها «حي على الصلاة، حي على الفلاح» را می‌شنیدند و علیرغم اینکه صحیح و سالم بودند، جواب آن را نمی‌دادند.

کعب الأحبار می‌گوید: «به خدا سوگند این آیه فقط درباره کسانی که از نماز تخلف کردند، نازل شد». پس برای کسی که نماز جماعت را علیرغم

توانایی برپاداشتن آن ترک می‌کنند، چه تهدیدی از این آیات، شدیدتر و واضح‌تر است.

از جمله دلایل دیگر آیه: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ):
(نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نمازگزاران [به صورت جماعت] نماز بخوانید). سوره البقره آیه ۴۳.

شاهد اول: (وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ) نصی دربارهٔ وجوب نماز جماعت و مشارکت نمازگزاران در نماز می‌باشد. چنانچه قصد، فقط برپا داشتن نماز می‌بود، کافی بود که بگوید: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ).

یکی از دیگر آیاتی که بر این امر دلالت دارد. این آیه می‌باشد: (وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ): (هنگامی که در میان آنها هستی و برای آنها نماز جماعت برپا می‌داری باید مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند، نخست عده‌ای با حمل اسلحه با تو به نماز بایستند، سپس هنگامی که این گروه سجده کردند (و رکعت اول نماز آنها تمام شد، تو در جای خود توقف می‌کنی) و آنها با سرعت رکعت دوم را تمام نموده و به میدان نبرد باز می‌گردند و در برابر دشمن می‌ایستند و گروه دوم که نماز نخوانده‌اند، جای گروه اول را می‌گیرند و با تو نماز می‌گزارند، گروه دوم نیز باید وسایل دفاعی و اسلحه را با خود داشته باشند و بر زمین نگذارند). سوره نساء آیه ۱۰۲.

وجه دلالت این آیه این است که خداوند ادای نماز جماعت در حالت جنگ را واجب کرده است، که این امر در حالت صلح به طریق اولی واجب است. اگر با فردی در زمینه ترک نماز جماعت مسامحه می‌شد، پس کسانی که با دشمن می‌جنگند و مورد تهدید آنان هستند می‌بایست مورد اغماض و چشم‌پوشی بیشتر قرار می‌گرفتند، و اگر نماز جماعت مستحب بود، وجود عذر خوف [از دشمن] موجب جواز ترک آن می‌بود. چنانچه فرض کفایه بود، بی‌تردید می‌بایست با اقامه آن از سوی عده‌ای، فرض بودن آن از بین می‌رفت. پس بنابراین، نماز جماعت فرض عین است.

دلایلی از سنت مبنی بر وجوب نماز جماعت:

در صحیحین به روایت از ابوهریره از پیامبر روایت شده است که فرمودند: «لقد هممت أن أمر بالصلاة، فتقام ثم أمر رجلاً فيؤم الناس، ثم انطلق معي برجال معهم حُزَم من حطب إلى قوم لا يشهدون الصلاة - يعني الجماعة - فأحرق عليهم بيوتهم بالنار» (بی تردید خواستم که [مردم را] به برپایی نماز دستور دهم تا [نماز] برپا شود آنگاه به مردی دستور بدهم تا امامت مردم را [در نماز] برعهده گیرد. سپس با خود گروهی از مردان را که بسته‌های هیزم حمل می‌کنند به سوی مردمانی ببرم که در نماز [جماعت] شرکت نمی‌کنند و خانه‌هایشان را بر سرشان آتش بزنم).^۱

فقط به خاطر ترک واجب، خانه‌های آنان با همه افراد و وسایلی که در آن است، آتش زده می‌شود. حدیث (درباره واجب بودن نماز جماعت واضح است. زیرا چنانچه سنت می‌بود، تارک آن را به آتش زدن تهدید نمی‌کرد، و اگر فرض کفایی می‌بود، با برپایی نماز توسط پیامبر و کسانی که با ایشان بودن فرض بودن آن از بین می‌رفت).

علامه ابن قیم : گوید: هرگز ممکن نبود مرتکب گناه صغیره را آتش می‌ود، چون ترک نماز جماعت از گناهان کبیره است.

ابن منذر : می‌گوید: (در اقدام پیامبر به آتش زدن خانه‌های کسانی که از نماز تخلف می‌کردند. بارزترین بیان درباره واجب بودن نماز جماعت

۱- بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

وجود دارد. زیرا جایز نیست، پیامبر خدا کسی را که از امر مستحبی یا امر غیرفرضی تخلف می‌کند تهدید کند.

از ابوهریره روایت شده است که مرد نابینایی به نزد پیامبر آمده و گفت: «ای رسول خدا من کسی را ندارم که مرا به سوی مسجد راهنمایی کند و دست مرا بگیرد». و از پیامبر خواست که به او اجازه بدهد تا در خانه‌اش نماز بخواند، زمانی که برگشت از او پرسید: «آیا صدای اذان (دعوت به نماز) را می‌شنوی؟» گفت: بله پیامبر فرمود: «پس به آن جواب بده»^۱.

از عبدالله بن ام مکتوم روایت شده است که وی به پیش پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا در شهر (مدینه) درندگان و حیوانات وحشی فراوانی وجود دارد، و من نابینا هستم خانه‌ام نیز [از مسجد] دور است. کسی را هم ندارم که دست مرا بگیرد. آیا به من اجازه می‌دهی در خانه‌ام نماز بخوانم؟ پیامبر فرمود: «آیا صدای اذان را می‌شنوی؟» گفت: بله پیامبر فرمود: «پس آن را اجابت کن. زیرا من به تو اجازه نمی‌دهم [این کار را بکنی]»^۲.

این مرد نابینا درباره مشکلات رفتن به مسجد و فقدان راهنما شکایت کرد، با این وجود پیامبر به او اجازه نداد که در خانه‌اش نماز بخواند. پس چگونه ممکن است این کار درباره کسی که دارای چشمان و جسم سالمی است، جای هیچ عذر و بهانه‌ای نیست. به همین دلیل زمانی که از ابن عباس درباره مردی که در طول روز، روزه‌دار است، و در شب به شب زنده‌داری

۱- مسلم آن را روایت کرده است.

۲- ابوداود، این حدیث را روایت کرده است که در صحیح سنن ابن ماجه به شماره ۶۴۴ وجود دارد.

مشغول است، اما در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی‌کند، گفت: اگر در چنین وضعیتی از دنیا برود، او در آتش است. فرد سؤال کننده پس از یک ماه دوباره این سؤال را از او پرسید، پس او دوباره گفت: (او در آتش است).
اگر نماز جماعت واجب نمی‌بود، ابن عباس درباره این مردی که این دو عبادت را با هم انجام داده بود، حکم دخول در آتش جهنم را صادر نمی‌کرد.

از ابن عباس روایت شده است که پیامبر فرمود: «من سمع المنادي بالصلاة فلم يمنعه من اتباعه عذر - قيل و ما العذر يا رسول الله؟ قال: - خوف أو مرض لم تقبل منه الصلاة التي صلّى»: (کسی که صدای مؤذن را بشنود و برای عدم حضور در نماز جماعت عذری مانند ترس یا بیماری نداشته باشد، نمازی که [درخانه‌اش] می‌خواند، مورد قبول واقع نمی‌گردد).^۱

همچنین از ابن عباس روایت شده است که پیامبر فرمود: «من سمع النداء، فلم يأتيه! فلا صلاة، إلا من عذر»: (کسی که ندای [دعوت به نماز، یا اذان] را بشنود، اما به سوی آن نرود، پس نماز او قبول نمی‌شود، مگر آنکه عذری داشته باشد).^۲

۱- ابوداود، ابن حبان در صحیحش و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

۲- ابن ماجه در سنن آن را روایت کرده است. حاکم آن تخریج و درباره آن گفته است: به شرط صحیحین، صحیح است اما آن را تخریج نکرده‌اند. نگاه: المستدرک علی الصحیحین کتاب الصلاة (۲۴۵/۱).

علت دلالت این امر آن است که این حدیث صریح است. به گونه‌ای که نمی‌توان از شرکت در نماز جماعت سرباز زد، مگر آنکه عذری داشت، و در حالیکه سنت این گونه نیست. زیرا می‌توان بدون وجود عذر آن را ترک کرد. ابوهریره می‌گوید: بی‌تردید اگر دو گوش انسان از سرب مذاب پر شود بهتر از آن است که صدای مؤذن را بشنود، سپس جواب آن را ندهد.

از معاذ بن انس روایت شده است که پیامبر فرمود: «الجفاء کل الجفاء والكفر والنفاق من سمع منادي الله ينادي إلى الصلاة فلا يجيبه». (کفر، نفاق و جفای بزرگی است، اگر کسی صدای منادی خداوند را بشنود که به سوی نماز ندا می‌دهد، اما دعوت او را اجابت نکنند).

در روایت طبرانی آمده است که رسول خدا فرمود: «بحسب المؤمن من الشقاء والخيبة أن سمع المؤذن يثوب بالصلاة فلا يجيبه»: (برای مؤمن هیچ بدبختی و ناامیدی بزرگتر از آن نیست که صدای مؤذن را بشنود که مردم را به سوی نماز می‌خواند و آنها را جمع می‌کند، اما او دعوتش را اجابت نکند).^۱

از عبدالله بن مسعود روایت شده است که فرمود: کسی که می‌خواهد فردا - یعنی روز قیامت - در حالیکه مسلمان است، خداوند را ملاقات کند، پس باید بر این نمازهای پنج‌گانه که به سوی آنها دعوت می‌شود، محافظت کند، زیرا خداوند برای پیامبرتان سنت‌های هدایت را مقرر فرموده است و اینکه آنها از سنت‌های هدایت هستند و اگر شما در خانه‌هایتان نماز بخوانید، - همچنانکه این متخلف در خانه‌اش نماز می‌خواند - سنت پیامبرتان را ترک

۱- احمد و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.

کرده‌اند و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید، بی‌تردید، گمراه می‌شود. در میان ما [اصحاب پیامبر] جز منافقی که نفاق او آشکار بود یا بیماران همگی در نماز جماعت شرکت می‌کردند. فرد بیمار را در حالی که دو مرد بازوان او را گرفته بودند، به مسجد می‌آوردند تا در صف برای ادای نماز جماعت بایستد^۱.
وجه دلالت این روایت آن است که تخلف از حضور در نماز جماعت را از علامات منافقان آشکار دانسته است، و از علامت‌های نفاق ترک مستحب و انجام مکروه نیست.

۱- مسلم آن را روایت کرده است.

چند روایت از صحابه درباره وجوب نماز جماعت در مساجد:

از امیرالمؤمنین عمر بن خطاب روایت شده است که گفت: چگونه گروههایی از مردم از نماز تخلف می‌کنند، پس به علت عدم حضور آنان گروهی دیگر نیز از حضور در نماز سرباز می‌زنند. پس یا باید در نماز حضور یابند، یا کسانی را به سوی آنها می‌فرستم تا گردنهای آنان را بزنند.

ایشان همچنین به سوی امراء در ولایات مختلف سرنوشت که مهم‌ترین امر شما در نظر من نماز است. پس کسی که بر انجام آن محافظت کند، در حقیقت دینش را حفظ کرده است، و هر کس آن را از دست بدهد، پس زیان از دست دادن آن از دیگر امور زیانبارتر است، و یکی از راههای محافظت نماز، اقامه آن به صورت جماعت در مساجد می‌باشد.

حسن بن علی می‌فرماید: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما به سوی آن نشتابد، نماز او از سرش تجاوز نمی‌کند [و بالاتر نمی‌رود]. مگر آنکه فرد، عذری داشته باشد.

ابن القیم : می‌گوید؛ (... کسی که به طور شایسته در سنت تأمل کند در می‌یابد که خواندن نماز در مساجد فرض عین است. مگر اینکه مانعی بوجود آید که به علت آن ترک نماز جمعه و جماعت جایز است. پس عدم حضور در مسجد - بدون وجود عذر - همانند ترک اصل جماعت بدون داشتن عذر است، و همه احادیث و روایات بر این امر اتفاق دارند).

ام المؤمنین عایشه می‌گوید: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما او را اجابت نکند بی‌تردید کار خیری را اراده نکرده است، و همچنین به وسیله او اراده خیر نشده است، مگر کسی که دارای عذری باشد.

از علی روایت شده است که گفت: نماز همسایه مسجد، جز در مسجد قبول نمی‌شود. از او پرسیده شد: همسایه مسجد کیست؟ گفت: کسی که صدای مؤذن را بشنود.

از ابوموسی اشعری روایت شده است که گفت: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما بدون آنکه عذری داشته باشد، آن را اجابت نکند، پس نماز او پذیرفته نیست.

روایت شده است که عتاب بن أسید که والی مکه در زمان رسول خدا بود گفت؛ به خدا قسم هر گاه مطلع شوم که یکی از شما از حضور در نماز جماعت در مسجد سر باز می‌زند، گردن او را می‌زنم.

ذکر اخبار و آثار رسیده از تابعین و کسانی که بعد از آنها آمده‌اند، و همچنین اقوال مذاهب چهارگانه درباره وجوب نماز جماعت در مساجد.

عطا بن اَبی ریحاح و احمد بن حنبل - رحمهما الله - می‌گویند: حضور در نماز جماعت در مساجد فرض است. شافعی : می‌گوید: معتقدم کسی قادر به خواندن نماز جماعت مسجد است، اجازه ندارد آن را در مسجد نخواند. خطابی : می‌گوید: حضور در نماز جماعت در مساجد واجب است زیرا اگر مستجب می‌بود، برای افرادی مانند ابن مکتوم و ضعیفان و ناتوانان دیگر ترک آن سزاوارتر و اجازه آن رواتر بود.

اوزاعی : می‌گوید: نمی‌توان در زمینه ترک نماز جمعه و جماعت از پدر اطاعت کرد.

حسن بصری : می‌گوید: اگر مادری به خاطر دلسوزی، فرزندش را از حضور در نماز جماعت عشاء منع کند، آن فرزند نباید از وی اطاعت کند. تعدادی از کسانی که به واجب بودن آن معتقدند عبارتند از: ابن خزیمه، بنخاری، ابن حبان، ابوثور، ابن حزم، امام داود ظاهری، ظاهریه، ابن قدامه، علامه علاءالدین سمرقندی، امام ابوبکر کاشانی حنفی، و عامه مشایخ حنفیه، ابن منذر، امام ابراهیم نخعی و امام عبدالبر مالکی.

این احادیث رسول خدا و نصوصی از صحابه می‌باشد که درباره وجوب نماز جماعت در مساجد، و مجازات متخلف از آن به شیوه‌های مختلف آمده است. آتش زدن خانه‌های متخلفین، کشتن، عدم قبولی نماز، تهدید به دخول در آتش جهنم و اتهام نفاق از این مجازات‌ها هستند.

این امر رواج پیدا کرده است و از اصحاب پیامبر و به دیگران رسیده است، و حتی از یک صحابی خلاف این امر روایت نشده است. پس آنچه بدان معتقدیم آن است که برای هیچ کس جایز نیست که از حضور در نماز جماعت در مساجد خودداری کند، مگر آنکه عذری داشته باشد.

واجب بودن نماز جمعه و مجازات کسی که از حضور در آن سر باز می‌زند.

نماز جمعه: بر هر مرد مسلمان، بالغ، عاقل، آزاد و مقیمی واجب است که درباره آن دلایل فراوانی مبنی بر وجوب آن و هشدار به کسی که بدون داشتن عذر در انجام آن سستی و تنبلی می‌کند، و از حضور در آن سر باز می‌زند. از جمله دلایل وجوب آن آیه زیر می‌باشد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ): (ای مؤمنان! هنگامی که برای روز جمعه اذان گفته می‌شود به سوی ذکر خدا (خطبه و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید). سوره جمعه آیه ۹.

خداوند در این آیات به تلاش و شتابیدن به سوی نماز امر کرده است، که این امر به مفهوم وجوب است. واجب شدن شتافتن فقط برای امر واجب است. در این آیات خداوند، [مردم را] از معامله کردن منع کرده است تا به وسیله آن از انجام نماز باز نمانند. چنانچه نماز جمعه واجب نبود، بی‌تردید مردم به خاطر آن از معامله و خرید و فروش نهی نمی‌شدند.

ابن کثیر : درباره این آیه می‌گوید: بی‌تردید خداوند، به مؤمنان دستور داده است برای انجام عبادت او در روز جمعه و اهتمام به آن، و تداوم بر آن گردد هم آیند.

جابر بن عبدالله می‌گوید: پیامبر برای ما خطبه خوانده و فرمود: «اعلموا أن الله قد افترض عليكم الجمعة في مقامي هذا، في يومي هذا، في شهري هذا، من عامي هذا، إلى يوم القيامة، من تركها في حياتي أو بعدي، وله إمام عادل أو جائر

استخفافاً بها أو جحوداً لها، فلا جمع الله شمله ولا بارک الله في أمره»: (بدانید که بی تردید خداوند نماز جمعه را در چنین جایگاه، روز، ماه، و سالی تا روز قیامت واجب کرده است. هر کس در زمان حیاتم یا پس از آن، با هدف خوار شمردن یا انکار آن، آن را ترک کند، در حالیکه امام عادل یا جائری دارد پس خداوند، کار آشفته آنان را سر و سامان ندهد و امر آنها را بر ایشان خجسته نگرداند).^۱

از ابوهریره و ابن عمر روایت شده است که آن دو از پیامبر بر روی منبرش می‌فرمود: «لینتهین أقوام عن ودعهم الجمعة والجماعات أو لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین» آیا آن گروهها از ترک کردن نماز جمعه و جماعت دست برمی‌دارند، یا خداوند بر قلب‌هایشان مهر می‌زند، سپس بی‌تردید از غافلان خواهند بود).^۲

امام نووی : می‌گوید: (معنای ختم، مهر کردن و پوشاندن است ... قاضی عیاض می‌گوید: متکلمان در این باره هم بسیار اختلاف دارند. به او گفته شده است که ختم به معنای از بین رفتن لطف و اسباب خیر است. همچنین به او گفته شده است که به معنای خلق کفر در قلبهای آنهاست، که این نظر بیشتر متکلمین اهل سنت است.

در حدیث از پیامبر روایت شده است که فرمودند: «من ترک ثلاث جمع تهاوناً بها طبع الله علی قلبه»: (هر کسی که سه نماز جمعه را به خاطر سستی و تنبلی ترک کند خداوند قلب او را مهر می‌زد).^۳

۱- ابن ماجه آن را روایت کرده است و اسناد آن ضعیف است.

۲- مسلم آن را روایت کرده است.

۳- احمد، ابوداود، نسائی، ترمذی و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

ابوقتاده روایت می‌کند که پیامبر فرمودند: «من ترک الجمعة ثلاث مرات من غیر ضرورة طبع الله علی قلبه»: (کسی که سه بار نماز جمعه را بدون هیچ ضرورتی ترک کند، خداوند قلب او را مهر می‌زند).^۱

از ابن عباس روایت می‌شود که گفت: «کسی که سه بار متوالی از شرکت در نماز جمعه خودداری کند در حقیقت اسلام را به کناری نهاده است».^۲

از ابن مسعود که پیامبر به گروهی که از شرکت در نماز جمعه امتناع می‌کردند، فرمود: «لقد هممت أن أمر رجلاً یصلی بالناس ثم أحرق علی رجال یتخلفون عن الجمعة بیوتهم»: (بی‌گمان خواستم دستور دهم تا مردی امامت نماز مردم را برعهده گیرد سپس بر کسانی که از حضور در نماز جمعه خودداری می‌کنند، خانه‌هایشان را بر آنان آتش بزنم).^۳

ترمذی از ابن عباس روایت کرده است که درباره فردی که به شب زنده‌داری می‌پردازد و روزها را روزه می‌گیرد اما در نماز جمعه شرکت نمی‌کند، از او سؤال شد. ابن عباس گفت: «او در آتش است.» که در صفحات قبل نیز ذکر گردید.

از محمد بن عبدالرحمن بن زراره روایت شده است که گفت از عمویم [یحیی بن سعد بن زراره] شنیدم که گفت: پیامبر فرمود: «فمن سمع النداء یوم الجمعة فلم یأتها؛ ثم سمعه فلم یأتها، ثم سمعه فلم یأتها، طبع الله علی قلبه وجعل

۱- امام احمد آن را روایت کرده است.

۲- ابویعلی آن را به صورت موقوف و با اسناد حسن روایت کرده است.

۳- مسلم و حاکم آن را روایت کرده‌اند.

قلبه قلب منافق»: (کسی که در روز جمعه سه بار صدای منادی [مؤذن] را بشنود اما آن را اجابت نکند، خداوند بر قلب او مهر خواهد زد و قلب او را تبدیل به قلب منافق خواهد کرد).^۱

از ام المؤمنین حفصه روایت شده است که پیامبر فرمود: «روح الجمعة واجب علی کل محتلم»: (رفتن به نماز جمعه برای هر فردی که به بلوغ رسیده است واجب است).^۲

امام اجماع: همه مسلمانان بر واجب بودن نماز جمعه اجماع دارند. ابن المنذر، اجماع علماء بر فرض عین بودن نماز جمعه را ذکر کرده است. ابن عربی مالکی می‌گوید: با اجماع مسلمانان نماز جمعه، فرض عین است. ابن قدامه در المغنی می‌گوید: مسلمانان بر وجوب نماز جمعه اجماع [و اتفاق] دارند.

عینی می‌گوید که از زمان رسول خدا تا امروز بر فرض بودن آن بدون هیچ انکاری اجماع دارند. نووی : می‌گوید: مذهب شافعی بر آن است که نماز جمعه فرض عین است.

پس ای بنده خدا از نتیجه تساهل در نماز جمعه پرهیز کن، و بترس که این امر بسیار خطیر و مهم است.

ای برادر مسلمان و فاضل بدان که غایت و هدف از وجود ما در این زندگی فانی، همان عبادت خداوند - عزّ وجلّ - می‌باشد. خداوند تعالی

۱- بیهقی آن را روایت کرده است.

۲- نسائی، ابوداود و ابن خزیمه آن را روایت کرده‌اند. این حدیث صحیح است.

می‌فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ): (من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند* و هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند). سوره ذاریات آیه ۵۶ و ۵۷.

این تصریح پروردگار - عزّ وجلّ - به آن است که آنها برای عبادت او آفریده شدند. پس باید به آنچه برای آن آفریده شده‌اند، اهتمام ورزند و از دنیای فانی که پایان پذیر و محل عبور است روی گردانند.

برادرم تو را به تقوای خدا - عزّ وجلّ - و محافظت بر نمازهای پنجگانه در مساجد توصیه می‌کنم. خداوند تعالی می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ): (ای مؤمنان، آنگونه که حق تقوی و پرهیزکاری است از خدا پرهیزید). سوره آل عمران آیه ۱۰۲.

بدان عمر تو در حال کم شدن و نه زیاد شدن است، و بدان که توبه واجب است. خداوند تعالی می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا): (ای مؤمنان! به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص). سوره تحریم آیه ۸. در پایان می‌گوییم: ای برادر مسلمانم از خداوند تعالی می‌خواهم که سینه‌ات را بگشاید، و قلبت را نورانی نماید، و تو را به راه حق هدایت، و در برپاداشتن نماز جماعت کمک کند، که او بر انجام هر امری تواناست.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه شیخ علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین
	مقدمه
	واجب بودن نماز جماعت در مساجد
	ذکر آثار و اخبار رسیده از اصحاب پیامبر - رضی الله عنهم -
	درباره واجب بودن نماز جماعت در مساجد
	ذکر بعضی از اخبار رسیده از تابعین و کسانی که بعد از آنها
	بوده‌اند و اقوال مذاهب چهارگانه درباره واجب بودن نماز
	جماعت در مساجد
	وجوب نماز جمعه و مجازات متخلف از آن
	پایان
	فهرست